

سمانه تقدیر

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول).

فاطمه صمیمی فر

دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

چکیده:

مسئله چگونگی شکل گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری و عوامل موثر بر آن مقوله ای بااهمیت، چندبعدی، و میان رشته ایست. این در حالیست که در حال حاضر فرایند شکل گیری آثار معماری در اکثر پژوهش ها با تکیه بر برداشت های سطحی از ادراک انسان و در بهترین حالت وابسته به حواس پنج گانه ظاهری انسان و البته معمولاً محدود به برخی از آنها بررسی می شود. بنابراین لازم است جوانب این مسئله از منظر علوم انسان شناسی (شناخت قوا و ابزارهای ادراکی او)، هستی شناسی (شناخت مراتب هستی)، و روان شناسی محیط (بررسی رابطه انسان و محیط) پرداخته شود. پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی چگونگی شکل گیری مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری با تمرکز بر قوای باطنی به ویژه «حافظه» و «خیال» معمار بپردازد؛ و با باز تعریف مراحل تجزیه، ترکیب، و ارزیابی در این فرایند با یک نگاه نو، عواملی که مستقیم و غیرمستقیم موثر بر کیفیت شکل گیری و تحقق این مراحل هستند را؛ بررسی نماید. شالوده نظری این پژوهش میانی حکمت متعالیه و برای انجام آن از راهبرد استدلال منطقی استفاده شده است. در مرحله گردآوری دادهها از مطالعات اسنادی و کتابخانه ای، و در مراحل بعد، از روش استدلال قیاسی استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد معماری مانند سایر افعال انسان متاثر از بستر مادی و معنوی رشد (تجربه زیسته) و ادراکات معمار در طول عمر تا لحظه خلق اثر است. معمار از یک طرف متاثر از حافظه (خزانه معانی) و خیال (خزانه صورتها) خود است که خمیرمایه ایده های او خواهند بود؛ و از طرفی به واسطه افعال، اخلاق و مزاج خود مرتبه ای برای نفس ناطقه اش - که مبدا و خالق افعال اوست - رقم می زند؛ و البته مرتبه نفس هم نقش بسزایی در کارایی حافظه و خیال در انسان دارد؛ زیرا معانی و صورتها ذخیره شده در آنها حاصل سطح تعامل او با عوالم هستی است. این رویکرد همچنین می تواند زمینه ساز تحول در حوزه تعلیم معماری و تربیت معماران باشد. زیرا تاکید می نماید معمار ابتدا باید قوس صعود معرفت یابی را در وجود خویش طی کند و بعد اقدام به آفرینش در قوس نزول خلق اثر معماری نماید.

واژه های کلیدی: حافظه، خیال، تجزیه، ترکیب، فرایند معماری، حکمت متعالیه.



مقدمه

مورد استفاده قرار گرفته و براساس آنها یک سلسله نتایج منطقی در قالب سامانه فکری حکمت متعالیه در حوزه نقش قوای باطنی انسان و سایر عوامل موثر بر کیفیت شکل‌گیری مراحل تجزیه، ترکیب، و ارزیابی در فرایند خلق و ادراک آثار معماری ارائه شده است.

۳. پیشینه موضوع

فرایند خلق آثار معماری مسئله‌ای پیچیده و متأثر از گذشته، حال، آینده، و معطوف به بستر تاریخی، اجتماعی، و اقتصادی می‌باشد. پرسش از ماهیت فرآیند طراحی معماری و مولفه‌های سازنده و تاثیرگذار بر آن بالاخص در زمانه‌ی طراحی به وسیله‌ی رایانه‌ها و هوش مصنوعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. از افراد شاخصی که در این مقوله دیدگاه‌های خود را در قالب کتاب و مقالات نشر داده‌اند می‌توان به یوهانی پالاسما، استیون هال، آلبرتو پرزگومز اشاره کرد (نویسندگان کتاب پرسش‌هایی از ادراک). به طور خلاصه می‌توان گفت آنچه پالاسما به آن انتقاد دارد اصرار بیش از حد معماران معاصر بر اولویت بخشی به ادراک حس بینایی انسان و غفلت نسبت به سایر حواس و دریافته‌های اوست؛ آن چیزی که او آن را رهاورد تفکر مدرن می‌داندست و آنچه خود او به آن تاکید می‌نماید؛ توجه به تمامی ادراکات حسی انسان در خلق آثار معماری است (هال، پالاسما، و پرزگومز ۱۳۹۴). حال آنکه این پژوهش این ادعا را مطرح می‌نماید که در حقیقت در سطحی بالاتر علاوه بر تمامی قوای پنج‌گانه ظاهری، قوای باطنی انسان همچون خیال و وهم نیز در فرآیند خلق و ادراک آثار معماری دخیل هستند.

با مطالعه در پیشینه این مهم (مراحل فرآیند خلق و ادراک آثار معماری) می‌توان گفت در خصوص فرآیند طراحی معماری از دهه ۱۹۶۰ میلادی تا دهه نخست قرن بیست و یکم میلادی آنچه در نظریه‌های غالب در دهه‌های نخست مطرح بود؛ توجه به راه‌حل‌های طراحانه‌ای بود که بالاترین سطح پاسخ را به نیازهای عملکردی می‌داد. طراحی شکل به حاشیه رفته بود و طراحی از حل روابط فضایی آغاز می‌شد و در نهایت شکل تابعی از عملکرد قلمداد شد. چند دهه بعد و با ظهور عدم تطبیق سبک زندگی ترویج شده

چگونگی شکل‌گیری مراحل اصلی فرایند خلق و ادراک آثار معماری و عوامل موثر بر آنها یکی از پرابهام‌ترین مقولات حوزه معماری است؛ در حقیقت این مهم مقوله‌ای چندبعدی و میان‌رشته‌ایست. اما معمولاً در پژوهش‌ها به شکل تک‌بعدی به آن پرداخته می‌شود؛ در صورتی که شناسایی این فرایند پیچیده باید بر مبنای یک مبانی نظری مشخص، از منظر علوم مرتبط با انسان‌شناسی (شناخت قوا و ابزارهای ادراکی او)، هستی‌شناسی (شناخت مراتب هستی)، روان‌شناسی محیط (بررسی رابطه انسان و محیط) بوده؛ و علوم شناختی به شکل توأمان انجام شود. از آنجا که شناسایی عوامل موثر بر این فرایند کمک زیادی به حوزه پژوهش، تعلیم و تربیت، و ارتقای کیفیت آثار معماری می‌نماید؛ پژوهش حاضر مسئله خود را بر شناخت این عوامل قرار داده و با تمرکز بر نقش قوای باطنی انسان به‌ویژه حافظه و خیال برای دستیابی به نتایجی قابل کاربرد به بازتعریف مراحل تجزیه، ترکیب، ارزیابی و عوامل موثر بر آنها با یک نگاه نو اما مبتنی بر مبانی نظری مشخص (حکمت متعالیه) پرداخته است. در این پژوهش برای کمک به درک بهتر مخاطب تلاش شد بعد از بررسی پیشینه موضوع، مروری بر شالوده نظری این پژوهش صورت گیرد تا فرضیات مدنظر در پژوهش به شکل مشخص تبیین شود و پس از آن با یک ساختار منطقی به سوالات مدنظر پژوهش پاسخ داده شود.

۲. روش تحقیق

به‌طور کلی راهبرد انجام این پژوهش استدلال منطقی است. در این پژوهش در مرحله اول به گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای پرداخته شده و بر اساس آن فرضیات و گزاره‌های نظری پژوهش استخراج شده است. در مرحله بعد برای شناسایی و تبیین عوامل موثر بر جهت‌دهی و کیفیت شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه از روش استدلال قیاسی استفاده شده است. اصول و گزاره‌هایی نظری که در مراحل مختلف این پژوهش از مبانی حکمت متعالیه استخراج شده‌اند؛ به‌عنوان مفروضات اصلی در پژوهش



با شرایط فرهنگی - جغرافیایی و اجتماعی جوامع مختلف، منتقدان سرکوب معماری مدرن و ظهور دوران پست مدرن را دامن زدند. در این میان الگوهایی از فرایند طراحی معماری مطرح شد که معماری مبتنی بر سبک زندگی جوامع سنتی، آداب و رسوم و عرف را پیشنهاد می‌داد. اما در سه دهه گذشته، همه چیز تحت تأثیر انقلاب عصر دیجیتال قرار گرفته و الگوهای فرایند طراحی معماری به کلی به سوی دیگری کشیده شده است (اکبری و فلامکی ۱۳۹۶، ۱۲۰). جان لنگ با ورود ظرفیت‌های محیط، علوم رفتاری و علوم اجتماعی به فرایند طراحی بیان می‌کند که اطلاعات محیط از طریق فرایندهای ادراکی به دست می‌آید و به وسیله طرح‌واره‌های ذهنی برانگیخته شده و توسط نیازهای انسانی هدایت می‌شوند. این طرح‌واره‌ها تا حدودی فطری و تا حدی اکتسابی هستند و پیوند ادراک و شناخت را برقرار می‌سازند (اکبری و فلامکی ۱۳۹۶، ۱۲۴). در اولین کنفرانس روش‌های طراحی در سال ۱۹۶۲، نظریه‌پردازان گام‌های فرایند طراحی را با رویکردی عقلایی در سه مرحله تجزیه، ترکیب، و ارزیابی معرفی نمودند و الگوها و دیگرام‌هایی را برای فرایند طراحی مطرح کردند که در آن بازگشت از یک مرحله به مرحله دیگر و روابط چرخشی مراحل سه‌گانه نشان داده می‌شد. در نظریات مرسوم اخیر نیز برخی از نظریه‌پردازان حوزه‌ی طراحی با رویکردی تجربی به آنچه در فرایند طراحی اتفاق می‌فتد؛ مدل‌هایی را مطرح نموده‌اند. به طور مثال مدل پنج‌مرتب‌های مشتمل بر «شناخت، تحلیل، ترکیب، ارزیابی، و راه‌حل» را برای لائوسون (۱۹۸۰) عرضه نموده است (مردمی و تفتی ۱۳۹۶، ۱۰۵).

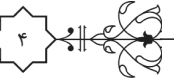
با چهارچوب خیال به سنجش برده شده است. این یک فرایند پیوسته آمیخته با ناخودآگاه است. نمی‌توان به طراح آموخت که چگونه خیال خود را زندگی کند؛ اما می‌توان بر شکل‌گیری درون‌مایه‌های فضای خیال اثرگذار بود. لازمه تغییر و ارتقای کیفیت‌های یک اثر آفرینشی در هر مقیاسی، تغییر در نگرش، اندیشه و باور درونی طراح است (رائی ۱۳۹۰).

باید توجه داشت فضای خیال هرکس مختص به خود اوست و شکل آن با دیگری تفاوت دارد. فضای خیال در هر فرد ساختاری منحصر به فرد دارد. به مانند فضای فیزیکی، فضای خیال نیز از اجزای مختلفی تشکیل شده است. مؤلفه‌های شکل‌دهنده خیال طراح، ریشه در هویت او دارند؛ خاطرات، تجربه‌های زیسته، تصاویر ذهنی، باورها و نگرش‌ها (امینی، کرامتی، و فلامکی ۱۳۹۸، ۶۲).

بنا بر آنچه مطرح شد عمده پژوهش‌ها در زمینه‌ی فرایند طراحی معماری به دور از توجه به نقش و اهمیت قوای باطنی انسان اعم از خیال، حافظه، و سایر قوای کمترشناخته شده دیگر آن در شکل‌گیری تک‌تک مراحل این فرایند هستند و برخی نیز به تعریف کلی در حوزه خیال انسان و نقش آن در ایجاد طرح‌واره‌های ذهنی معماری پرداخته‌اند. این در حالیست که این قوا اگر مهم‌تر از سایر عوامل سازنده این فرایند نباشند؛ کم‌اهمیت‌تر از آنها نیستند و آنچه در حقیقت زمینه‌تمايز کیفیت در خلاقیت را فراهم می‌آورد؛ بسیار متأثر از این نحوه عملکرد این قوا می‌باشد. البته پژوهش‌های نیز برای تبیین قوای ادراکی انسان و اهمیت آن در تعاملات او با هستی و بازتاب آن بر فرایند خلق آثار معماری اسان به صورت کلی انجام شده (مانند رئیس‌سمعی ۱۳۸۰؛ نقره‌کار ۱۳۹۰؛ خواجوی، کبودی، و اخلاصی ۱۳۸۹) و برخی نیز به معرفی نقش و اهمیت برخی قوای انسان پرداخته‌اند (رنجبر کرمانی؛ عظیمی ۱۳۹۸؛ تقدیر ۱۳۹۳). این پژوهش در نظر دارد در تکمیل پژوهش‌های گذشته این مقوله را بسط دهد و با تاکید

بنا بر آنچه مطرح شد تعریف مسئله، شناخت، ترکیب، تجزیه، و انتخاب مراحل پیشنهادی مشترک است که در الگوهای تفکر طراحی به طراح پیشنهاد می‌شوند؛ اما عامل مهم دیگری نیز در این میان وجود دارد که به ندرت به آن اشاره شده است: مولد اولیه، الهام، و درون‌سازی. در حقیقت طراح فرم شخصی شده‌ای از آنچه الگوهای طراحی به‌عنوان مسیر تفکر در طراحی به طراحان پیشنهاد می‌دهند را؛ به کار می‌گیرد. فرمی که از یک فیلتر درونی عبور کرده و در





تبيين مراتب نفس انسان دارد و سعی نموده مراتب نفس و قوای آن را با جزییات معرفی نماید.

۴-۲. مراتب و قوای ادراک انسان

قوای ادراکی انسان عبارت است از قوای ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه)، و قوای باطنی (خیال، واهمه (قوه عقلیه متعلق به خیال است)، حس مشترک، حافظه، متصرفه) عقل نظری (قوه ادراکی مطلق)، و عقل فعال بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه انسان دارای چهار مرتبه ادراک متناظر با مراتب وجودی نفس خود است. این چهار مرتبه عبارتند از ادراک حسی، خیالی، عقلی و شهودی. این مراتب به طور خلاصه عبارتند از:

ادراک حسی: ادراک محسوسات از سوی نفس به اعتبار این مرتبه انجام می‌گیرد و حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی، و لامسه)، و حواس باطنی (حس مشترک، واهمه، خیال، حافظه، متصرفه) زمینه‌ساز این ادراک‌اند.

ادراک خیالی: ادراک صور خیالی از سوی نفس به اعتبار این مرتبه انجام می‌پذیرد. خیال یکی از ادراکات درونی است و حواس باطنی زمینه این درک را فراهم می‌آورند.

ادراک عقلانی: به اعتبار آن نفس مدرک حقیقی مفاهیم کلی و معقولات به شمار می‌آید. باید گفت این مراتب ادراک (حسی، خیالی، عقلی) زمینه‌ساز دریافت علم حصولی‌اند. البته انسان دارای یک مرتبه مهم ادراکی دیگر به نام ادراک قلبی - شهودی نیز هست که ادراک بی‌واسطه نفس است و زمینه‌ساز علم حضوری.

۴-۳. عقل عملی انسان

انسان علاوه بر عقل نظری که از قوای ادراکی انسان است و در جدول ۱ به آن اشاره شد؛ قوه‌ای به نام عقل عملی نیز دارا می‌باشد. عقل عملی کارفرمای بدن جسمانی است و انسان در راستای رسیدن به کمال باید مراتبی را با سیر حرکت معنوی طی نماید تا به اوج قله انسانیت نائل گردد. بنابراین کمال انسان (هنرمند) در گرو تکمیل و ترقی دو

بر نقش قوای باطنی به‌ویژه خیال و حافظه انسان، عوامل موثر بر مراحل تجزیه (شکل‌گیری خزانه معنا و صورت)، ترکیب (ترکیب جدیدی از صورت و معنا)، و ارزیابی (ادراک) را بر اساس مبانی حکمت متعالیه تبیین نماید؛ و بر اساس آن بتواند منظری نو در رویکرد به مقوله فرایند طراحی ایجاد نماید.

۴. شالوده نظری پژوهش بر اساس مبانی حکمت متعالیه

باید اشاره کرد در حال حاضر دو دیدگاه نسبت به علم وجود دارد «علم بریده از حکمت و علمی که متصل با حکمت است. در واقع علوم جدید نسبت به این مبادی تقریباً بی‌تفاوت‌اند یا اصلاً توجهی ندارند» (اعوانی ۱۳۹۰). اما از منظر اسلام، هستی دارای اصول و مبادی است و قوانین تحقق افعال و خلق آثار انسانی خارج از قوانین هستی نیست. بر این اساس فرایند خلق آثار معماری نیز مطابق با اصول و مبادی هستی است. لذا در ادامه مروری بر تعریف انسان و قوای او، هستی و مراتب آن، و نحوه تعامل و ادراک انسان و هستی بر اساس مبانی حکمت متعالیه که به‌عنوان فرض‌های اولیه این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ صورت گرفته است. از آنجا که معماران با ادراک عالم هستی و الهام از آن به خلق آثار معماری می‌پردازند. شناخت مراتب نفس انسان، قوای ادراکی و فرایند ادراک و مسایل تاثیرگذار بر روند ادراک انسان، امری بسیار مهم و ضروری است. لذا در این قسمت اجمالاً به معرفی قوای ادراکی انسان و مراتب ادراکی او پرداخته شده است.

۴-۱. مراتب نفس انسان

یکی از کامل‌ترین تعاریف از مراتب نفس انسان با مبنا قرار دادن روایتی از امام علی (ع) عبارت است از اینکه «نفس انسان» دارای مراتبی چهارگانه است؛ شامل نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی، و کلی الهی. و هر یک از این چهار نفس را، پنج قوه و دو خاصیت است (حسن‌زاده آملی ۱۳۷۷، ۸۲۴). در میان فیلسوفان مسلمان، دیدگاه ملاصدرا، بیشترین نزدیکی را به دیدگاه حضرت علی (ع) پیرامون



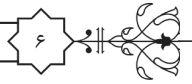
مرتبه نفس	قوای نفس	وظیفه قوا	جنس قوا
حسی حیوانی	قوای ظاهری	بینایی	مادی
		شنوایی	
		بویایی	
		چشایی	
		لامسه	
حسی حیوانی	قوای باطنی	حس مشترک	مجرد (تجرد برزخی)
		واهمه	
		خیال	
		حافظه	
		متصرفه	
ناطقه قدسی	عقل نظری (قوه ادراکی مطلق)	هیولانی	مجرد
		بالمکه	
		بالفعل	
		مستفاد	
کلی الهی	عقل فعال	ادراک معقولات و احاطه به کلیات (عقل فعال دو هستی دارد. یکی در ذات خود ودیگری در جان ما. کمال نفس آدمی و تمامیت وجود آن و هدف آن همان وجود عقل فعال برای نفس و اتصال و یکی شدن با آن است.	مجرد (وجودی نوری)

جدول ۱. معرفی قوای ادراکی نفس انسان و کارکردهای آن براساس نظر متفکران اسلامی (با تاکید بر نظر ملاصدرا) (مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۳، ۸۹)

قوه عملی و نظری. در واقع عقل عملی موجبات کمال نفس را ایجاد می‌کند تا انسان با تهذیب نفس، تهذیب باطن، آراستن باطن در نهایت به مقام رضایت خداوند برسد (تقدیر ۱۳۹۶، ۶۰).

۴-۴. مدل تعامل انسان با هستی (محیط) بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه

با توجه به تعاریف انسان، مراتب نفس و قوا، مراتب ادراکی او و مراتب هستی، در دیدگاه حکمت متعالیه می‌توان مدل تعامل انسان با هستی محیط پیرامون را بدین ترتیب تبیین نمود که انسان با کمک حواس ظاهری و باطنی به درک صورت‌های محسوس و در نتیجه درک عالم ملک (طبیعت) و با کمک حواس باطنی (حس مشترک، قوه واهمه، قوه خیال، همانطور که مطرح شد هر انسانی متناسب با مرتبه وجودی نفس خویش سطحی از تعامل با عوالم هستی برقرار می‌نماید و به سبب آن و به واسطه قوای ظاهری و باطنی ادراکی خود مجموعه‌ای از معانی و صورت‌ها در نفس خویش ذخیره می‌نماید. از آنجا که در آفرینش هر اثر هنری نفس ناطقه انسان متناسب با مرتبه وجودی خود



قوه متصرفه را در اختیار قرار گرفته و با مراجعه به خزانه صورت و معنا به خلق اثر می‌پردازد؛ بررسی کیفیت محتوای این خزانه (بانک اطلاعاتی ذخیره شده در نفس انسان) از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا در راستای شناخت دقیق نسبت به نحوه شکل‌گیری محتوای خزانه معنا و صورت در معمار و رابطه آن با مرتبه نفس و سطح تعامل او با هستی، جدول ۲ که دستاورد یکی از پژوهش‌های پیشین در این حوزه است آورده شده است (تقدیر ۱۳۹۶، ۶۱).

محتوای حافظه (خزانه معنا)	محتوای خیال (خزانه صورت)	ابزار ادراکی	مرتبه ادراکی	ویژگی‌های عالم متناظر	سطح تعامل معمار و هستی
معانی دریافت شده از عالم طبیعت تا مرز فلک الافلاک	صورت‌های مطابق با اشیای خارجی که در عالم طبیعت است.	حواس پنج‌گانه ظاهری و حواس باطنی	ادراک حسی	خصوصیت اشیا در عالم ملک: داشتن زمان، مکان، حرکت تدریجی، و ابعاد و اندازه معلوم و معین	ارتباط با عالم طبیعت (ملک)
معانی اشیای خلق شده توسط قوه متصرفه نفس و معانی دریافت شده از عالم ملکوت (خیال منفصل)	صورت‌های اشیای خیالی خلق شده توسط قوه متصرفه نفس و صورت‌های اشیای عالم ملکوت	حواس باطنی	ادراک خیالی	خصوصیت اشیا در عالم ملکوت: دارای زمان و مکان و حرکت و دارای رنگ و شکل و فاقد ماده و جسم	ارتباط با عالم خیال متصل، و گاهی خیال منفصل (عالم ملکوت) متناسب با مرتبه وجودی نفس خویش
معانی دریافت شده از عالم جبروت	-	عقل	ادراک عقلی	این عالم جنبه‌ی الهی و باطنی عوالم پایین‌تر است. این عالم و مافوق آن ماورای هرگونه شکل و صورت و مظاهر صوری است	ارتباط با عالم جبروت (عقول مجرد)، متناسب با مرتبه وجودی اش
دریافت معانی و مفاهیم متعالی (حقیقت اسما و صفات الهی)	-	قلب (بی‌واسطه)	ادراک شهودی	این عالم (مرتبه واحدیت) حاصل ظهور ذاتی حق تعالی در کسوت اسما صفاتی می‌باشد.	انسان کامل در ارتباط با مافوق عالم جبروت (اعلی‌علیین)

جدول ۲. رابطه محتوای خزانه معنا (حافظه) و صورت (خیال) با مرتبه نفس معمار، ابزار ادراکی و سطح تعامل او با هستی براساس مبانی حکمت متعالیه

۴۲). به عبارتی معقولات را به تخیل درآورده؛ و در نهایت با فعلیت قوای متناسب با عالم طبیعت، آثاری محسوس خلق می‌کند. ادراکات مخاطب نیز در یک سیر صعودی شکل می‌گیرد و در آن فعلیات نفس که در قوای جسمانی او ظهور می‌یابند؛ مانند ادراکات حواس پنج‌گانه، یا اعمال اعضا و جوارح، خود بازتابی در نفس پیدا کرده و جوهر آن را تغییر می‌دهند؛ باید توجه داشت خالق اثر اولین مخاطب

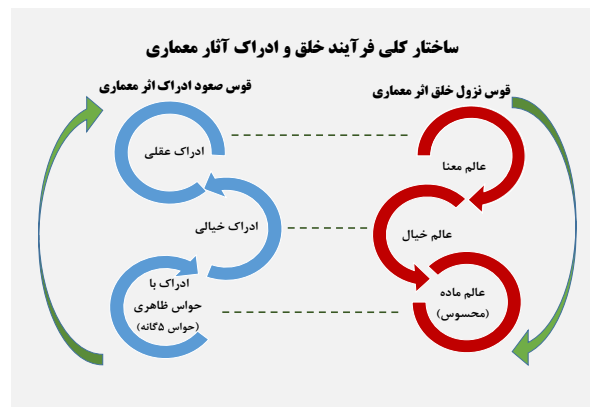
۵. ساختار فرآیند خلق و ادراک آثار معماری

بر اساس مبانی حکمت متعالیه خلق آثار هنری در یک سیر نزولی تحقق می‌یابد. هنرمند بر اساس مرتبه نفس خویش قوای نفس خود را به خدمت گرفته؛ و در سیری نزولی علم و حقیقت وجودی خویش را ابتدا به تعقل، و سپس به تخیل می‌آورد؛ یعنی از قوه تخیل، معانی کلی را به اشکالی جزئی تمثیل می‌دهد (حسن‌زاده آملی ۱۳۸۰،



اثر است و تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد که این موضوع ناشی از رابطه‌ی ذاتی و ضروری میان نفس و بدن انسان است. با توجه به اینکه معماری دارای شانی هنری است؛ تمامی آنچه در مورد فرایند کلی خلق و ادراک آثار هنری ذکر شد بر آثار معماری نیز مترتب است و می‌توان ساختار کلی فرایند خلق و ادراک آثار معماری را به صورت نمودار ۱ نشان داد.

۱ نشان داد.



نمودار ۱. ساختار کلی فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه (مأخذ: تقدیر ۱۳۹۳، ۱۲۸)

۶. بازخوانی چگونگی شکل‌گیری مراحل تجزیه، ترکیب، و ارزیابی در فرایند خلق و ادراک آثار معماری

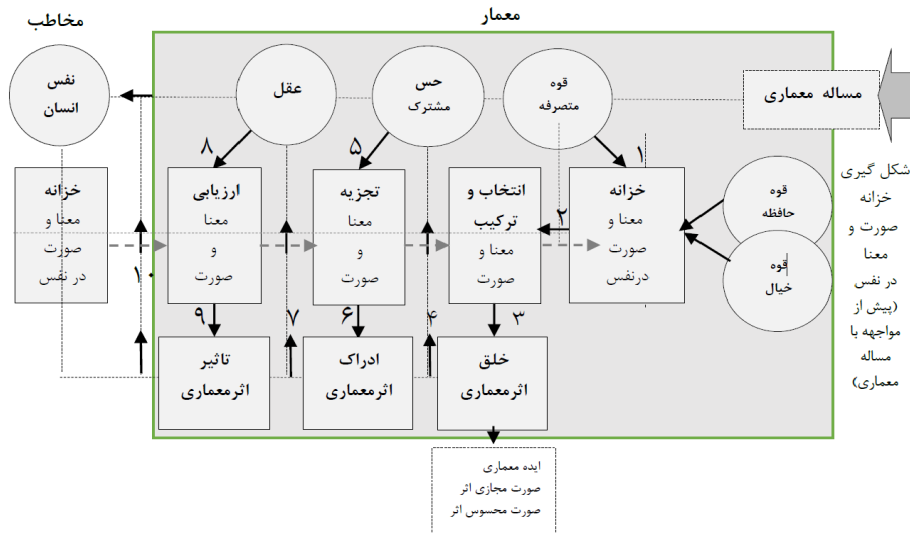
با مطالعه آرای صاحب‌نظرانی مانند لاسون، سوینبرن و جونز نسبت به مقوله مراحل فرایند خلق آثار معماری در منابع معتبری چون لاسون (۱۳۸۴)، لنگ (۱۳۹۰)، بردبنت (۱۹۶۹)، و جونز (۱۹۷۰) مراحل‌هایی که اکثر آنها نسبت به آن اتفاق نظر دارند شامل آنالیز (تجزیه و تحلیل)، ترکیب، و ارزیابی می‌باشند؛ که اگر از زاویه نگاه این پژوهش به این مراحل نگاه شود؛ می‌توان گفت اینها همان مراحل هستند که انسان تمامی ادراک و افعال خود را از همین طریق انجام می‌دهد و این مراحل صرفاً مربوط به فرایند خلق آثار معماری نبوده است.

در حقیقت بر اساس مبانی حکمت متعالیه می‌توان گفت نفس انسان همواره در ادراک هستی با کمک قوای باطنی خود در حال تجزیه و ارزیابی، و در انجام افعال خود در حال ترکیب، تجزیه و ارزیابی است. در دو حالت این ارزیابی‌ها به شکل حضوری در انسان محقق می‌شود. بدین شکل که انسان‌ها همواره تحت تاثیر افعال و ادراک خود در درون احساس رضایتمندی یا نارضایتی (خشنودی یا ناراحتی)

مراتب شکل‌دهنده به این فرایند متأثر از عوالم هستی و مراتب نفس انسان‌ها است که در تناظر دقیقی با یکدیگر قرار دارند؛ و همین تناظر است که امکان خلق و ادراک متقابل آثار هنری و معماری را به انسان‌ها می‌دهد.

بر اساس مبانی حکمت متعالیه با مد نظر قرار دادن قوس نزول خلق و قوس صعود ادراک، ساختار کلی فرایند خلق و ادراک آثار معماری را در ۵ مرحله اصلی می‌توان تبیین نمود. در مرحله اول معمار در مواجهه با مسئله معماری با به خدمت درآوردن قوای باطنی خود که پیش‌تر کارکرد آنها در (جدول ۱) توضیح داده شد اقدام به خلق اثر می‌نماید. قوه متصرفه تحت هدایت نفس ناطقه به قوای خیال (خزانه صورت) و حافظه (خزانه معنا) مراجعه می‌نماید تا ایده خود را به صورت مثالی ترسیم نماید. در مرحله دوم، معمار این ایده را با مد نظر قرار دادن نیازهای مخاطب متناسب با امکانات و محدودیت‌های بستر طرح، و با کمک مقوله‌های سازنده معماری، در قالب یک طرح معماری

می‌نمایند. تنظیم معیار این رضایت‌مندی بر عهده نفس انسان است. از منظر این پژوهش فرایند خلق آثار معماری تحقق خود را صرفاً از لحظه مواجهه با مسئله معماری شروع نمی‌کند؛ بلکه انسان در طول زندگی همواره متناسب با مرتبه وجودی خویش در حال ادراک هستی است. همان‌طور که در بخش ۴-۵ این پژوهش مطرح شد معمار ادراکات خود را در حافظه و خیال خود در قالب صورت و معنا تجزیه و ذخیره می‌نماید. پس اولین گام از فرایند شکل‌گیری افعال در معمار، تجزیه بوده و همواره قبل از مرحله تجزیه و درک مسئله معماری به طور مستمر در طول زندگی او تحقق می‌یابد.

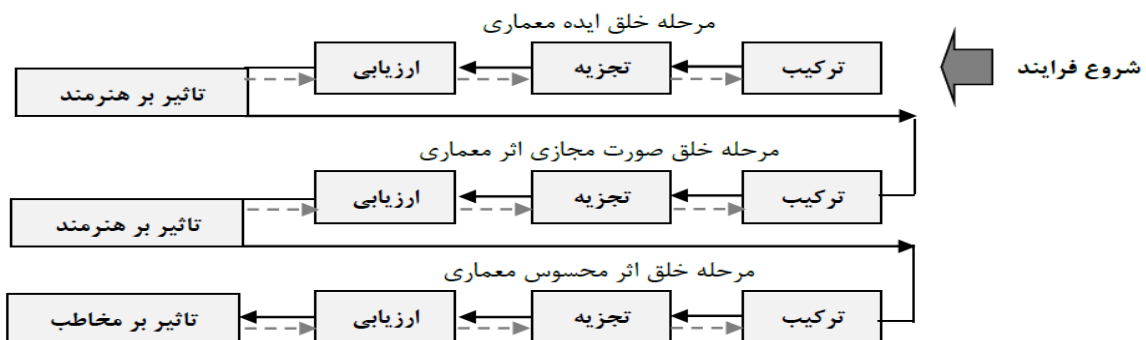


قوس صعود ادراک آثار معماری

قوس نزول خلق آثار معماری

نمودار ۲. نقش قوای انسان در شکل‌دهی به مراحل ترکیب، تجزیه، و ارزیابی در شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری

همچنین باید توجه داشت که مراحل ترکیب (خلق)، تجزیه (ادراک) و ارزیابی در سه مرحله شکل‌گیری ایده معماری، طرح معماری (صورت مجازی اثر)، و صورت محسوس اثر معماری به صورت جداگانه در نفس معمار محقق می‌شود و یک رابطه رفت و برگشتی دارند (نمودار ۳).



نمودار ۳. فرایند تعاملی مراحل (ترکیب، تجزیه، و ارزیابی) در شکل‌گیری ایده معماری، طرح معماری، و اثر محسوس معماری



پیرامون خود (هستی) هستند. لذا چه در مرحله خلق و چه در مرحله ادراک بیشترین الهامات و ادراکات مربوط به عالم طبیعت می‌شود؛ و به همین دلیل کثرت سلیق بیشتر شکل می‌گیرد و کمتر منشا ایده‌های معماران الهام شده از عوالم برتر هستی است (معانی فطری مشترک) زیرا تعامل با لایه‌های مافوق عالم طبیعت، نیاز به مراقبه و تلاش دارد و این امر دغدغه همه معماران و به عبارتی جامع‌تر همه انسان‌ها نیست.

با توجه به توضیحات ارائه شده مشخص می‌شود که چگونه تبلیغات در حوزه مبانی و مصداقی آثار معماری می‌تواند بر ذائقه و تمایلات معمار و مخاطب اثر گذارد. باید توجه داشت وقتی در یک بازه زمانی مشخص و به شکل گسترده معانی منتخبی در قالب صورت‌های مشخص ارائه و تبلیغ می‌شوند کمیت این معانی و صورت‌ها به شکل فزاینده‌ای نسبت به سایر معانی و صورت‌ها در حافظه و خیال انسان ثبت می‌گردد؛ و بانک اطلاعاتی نفس انسان معمار را که در حقیقت خمیرمایه ایده‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی او هستند را شکل می‌دهند. با توجه به گزاره‌های علم احتمال، در خلق ایده اولیه آثار معماری احتمال انتخاب این معانی و صورت‌های تبلیغ شده نسبت به سایر معانی و صورت‌ها چندین برابر خواهد بود و این علت کثرت میل به برخی معانی و صورت‌های مشخص در مراحل مختلف شکل‌گیری آثار معماری است که با سطح خلاقیت متفاوت معماران تجلی‌های گوناگونی در آثار مختلف خواهند داشت (مانند معانی مرتبط با سبک دیکانسترکشن، فولدینگ- در قالب آثار پیترایزنمن، فرانک گهری و زها حدید که در مقطعی در رسانه‌های مختلف مورد تبلیغ جدی قرار می‌گرفتند).

اینگونه است که صاحبان قدرت و ثروت می‌توانند معانی و مفاهیم مدنظر خود را که معمولاً از ابتدایی‌ترین و سطحی‌ترین معانی و حتی گاهی در تضاد با ارزش‌های انسانی و یا در تقابل با دستاوردهای فرهنگی و سنتی یک جامعه است در جوامع گسترش دهند؛ و به تغییر ذائقه فطری انسان‌ها می‌پردازند.

در بسیاری از مدل‌های ارائه شده از فرایند خلق و ادراک آثار معماری، این فرایند کامل تعریف نشده است و نقش قوه حافظه و خیال انسان (شکل‌گیری خزانه معنا و صورت در نفس انسان به واسطه قوه حافظه و خیال در تعامل با عوالم هستی) و مرحله تاثیر اثر بر هنرمند و مخاطب (ادراک اثر) جزو مراحل فرایند حساب نمی‌شود و مغفول مانده است. از نکات دیگری که در این ساختار باید به آن توجه نمود؛ این است که همواره یک رابطه رفت و برگشتی در مراحل مختلف محقق می‌شود تا زمانی که معمار (یا گروه معماری) که خود اولین مدرک و ارزیابی کننده اثر خودش در هر مرحله است آن را تایید نماید و مورد قبولش واقع گردد. حال یک سوال ایجاد می‌شود: این مقبولیت برای سایر مخاطبان نیز همسو با معمار صورت می‌گیرد؟ و فرایند این مقبولیت و ارزیابی در سایر مخاطبان چگونه خواهد بود؟

در پاسخ به این سوال باید گفت انسان‌ها به واسطه بستر زمانی و مکانی متفاوت رشد خود - که تجربه زیسته آنها را شکل داده و حاصل ادراک و تعامل آنها با محیط از طریق حواس ظاهری و قوای باطنی نفس آنهاست - دارای بانک اطلاعاتی از صورت‌ها و معانی جزئی متفاوت در نفس خود هستند که آنها می‌توانند زمینه تفاوت مقبولیت یک اثر توسط مخاطبین مختلف را شکل دهند. و از طرفی گاهی مقبولیت در آثار معماری ماورای زمان و مکان شکل می‌گیرد به نحوی که هر فرد منصف و دارای اندیشه‌ای آن اثر را مقبول و قابل تحسین ارزیابی می‌نماید؛ مانند اشعار سعدی و مولانا، آثار معماری سنتی ایران در میدان نقش جهان و... که سالانه توریست‌های زیادی را از کشورهای مختلف جهان به خود جذب می‌نماید. در توضیح این پدیده باید گفت این فهم مشترک حاصل ساختار فطری مشترک انسان‌ها و ذخایر معنایی مشترک آنهاست که با تجلی در صورت‌های مختلف خود را نشان داده است. زیرا معانی و مفاهیم متعالی در ضمیر انسان از ابتدای خلقت توسط خداوند به ودیعه گذاشته شده است که در کتب الهی توسط پیامبران به آنها اشاره شده است. اما از آنجا که انسان‌ها اغلب بیشترین تعامل را از طریق حواس خود با عالم طبیعت برقرار می‌نمایند و غافل از عوالم برتر محیط



۷. عوامل موثر بر کیفیت شکل‌گیری مراحل تجزیه، ترکیب و ارزیابی در فرآیند خلق و ادراک آثار معماری

بر اساس مطالعات صورت گرفته بر مبنای حکمت متعالیه فاعل اصلی افعال و آفرینش‌های انسان نفس ناطقه اوست. لذا مرتبه نفس انسان مهم‌ترین عامل بر کیفیت شکل‌گیری مراحل فرآیند خلق و ادراک آثار معماری است و آن نیز حاصل تعامل عقل نظری و عملی اوست که یکی از آنها مبدا ادراک و علم انسان (عقل نظری)؛ و دیگری مبدا عمل و اخلاق (عقل عملی) اوست؛ و این دو همواره در یک رابطه رفت و برگشتی با یکدیگر هستند و بر هم تاثیر گذارند.

البته باید توجه داشت که نفس نیز خود بازتاب و تجلی حقیقتی برتر است. در واقع نفس، که تشکیل دهنده هویت شخصی انسان‌هاست؛ در فعلیت یافتن قوای خود (یا می‌توان گفت در اعمال و آفرینش‌های خویش) استقلال نداشته؛ و فعلیت قوای نفس، که کمال آن محسوب می‌شود؛ افزوده شده از مبدأ و سرچشمه‌ای دیگر - به جز هویت شخصی انسان یا نفس ناطقه - می‌باشد (خواجوی، کبودی، و اخلاصی ۱۳۸۹، ۲۶۴). به‌طور کلی در فلسفه اسلامی، مخرج نفس از قوه به فعل (یا عامل فعلیت یافتن قوای نفس را وجودی می‌دانند که اولاً، مجرد از ماده و عاری از احکام عالم محسوس بوده و باصطلاح ماورای طبیعت است. دوم آن که این وجود فعلیت محض بوده؛ و قوه و نقص در آن راه ندارد. سوم، از آن جا که «کثرت و تعدد یک حقیقت، بدون دخالت ماده صورت نمی‌گیرد» (حسن‌زاده آملی ۱۳۸۰، ۳۵۰). لذا مخرج نفس از قوه به فعل نیز، حقیقتی واحد و یکپارچه است که «باید متولی و قاهر بر نفس باشد و از جهتی چون نفس ناطقه به سویس حرکتی استکمالی [یا کمال‌جویانه] دارد؛ معشوق و محبوب نفس نیز هست» (خواجوی، کبودی، و اخلاصی ۱۳۸۹، ۱۸۵). در اشارات قرآنی و خاصه طبق تأویلات عرفانی آن، «روح» همان لفظ واحد قلم، در عبارت قرآنی «سوگند به قلم و آن چه می‌نویسند» (سوره قلم / ۱) است؛ که به وسیله آن بر الواح، نقوش متعددی ترسیم شده، و از این

طریق موجودات مختلفی با صورت‌های متفاوت در عالم کثرت ظهور می‌یابند (حسن‌زاده آملی ۱۳۸۲، ۳۵۸). علاوه بر این مرتبه نفس انسان است که سطح تعامل او با هستی را مشخص می‌کند و همان‌گونه که اشاره شد هرچه این مرتبه متعالی‌تر باشد خزانه معنا و صورت در نفس او غنی‌تر خواهد بود و به همان میزان و متناسب با استعداد معمار، کیفیت آثار معماری خلق شده نیز بالاتر خواهد بود. همانطور که گفته شد زمانی کامل‌ترین خزانه صورت و معنا شکل می‌گیرد که معمار به مرتبه انسان کامل رسیده باشد و بتواند حداکثر تعامل با عوالم هستی را داشته و به احصا و ادراک متعالی‌ترین معانی نائل آید؛ که این معانی بر اساس مبانی حکمت متعالیه اسما و صفات الهی هستند. زیرا در حقیقت تمام هستی تجلی خداوند هست. (اصل توحید) و اسما و صفات الهی واسطه میان ذات و مصنوعات او می‌باشند. آن شأن و مرتبه وجودی انسان که به این علم متصف شده و با خزائن الهی متصل می‌باشد؛ روح، جوهر انسانی، یا حقیقت نوعی بشر است؛ و این بدان معناست که منشأ و مبدأ فعلیات، کمالات و آفرینش‌های نفس انسانی، حقیقتی متعالی و سرچشمه‌ای بی‌انتهاست. نفس ناطقه می‌تواند بر اساس احکام خاصی مورد افزوده‌ی این مبدأ قرار گرفته، و در واقع، به بازآفرینی معانی و صورت‌هایی بپردازد که در حقیقت وجودی و هویت نوعی او (روح) محقق است (خواجوی، کبودی، و اخلاصی ۱۳۸۹، ۲۶۶). لذا همانطور که پیشتر اشاره شد معانی متعالی انسانی که منطبق بر ساختار فطری مشترک انسان‌ها هستند. توسط مخاطبان و کاربران مختلف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، که زمینه‌ساز تجربه زیسته متفاوت هستند؛ نیز ادراک می‌شوند. بنابراین چه مبسوط اشاره شد؛ مرتبه نفس معمار و سطح معرفت او یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر کیفیت شکل‌گیری مراحل فرآیند خلق آثار معماری را شکل می‌دهد (اثرگذار در مراحل تجزیه، ترکیب و ارزیابی). مقوله دیگری که می‌تواند بر کیفیت مراحل خلق و ادراک اثر معماری تاثیر گذار باشد اخلاقیات انسان است. همان‌گونه که اشاره شد رابطه ادراک انسان با هستی، متأثر از برآیند علم و عمل اوست. دانشمندان علم اخلاق، معمولاً



او تأثیر می‌پذیرد. یعنی وقتی نفس انسان، موجودی در حال تکامل باشد؛ این امر بدون تأثیرپذیری از خارج امکان‌پذیر نیست. لذا چیزهایی که عامل اصلی تکامل آن می‌توانند باشند؛ عبارتند از اعمال و رفتاری که انجام می‌دهد؛ اخلاق و ملکاتی که کسب کرده؛ و علوم و اعتقاداتی که آموخته و بدان متلزم شده است. همچنین نفس انسان بر بدن و اعمال انسان تأثیرگذار می‌گذارد. به عبارتی نفس انسان، علاوه بر آنکه از اعمال انسان تأثیر می‌پذیرد؛ بلکه گاهی به عکس، بر اخلاق و رفتار انسان، اثر می‌گذارد، یعنی تعامل بین نفس و اعمال انسان طرفینی است. بنابراین با قبول نظریه ملاصدرا می‌توان گفت اعمال، نیات و سکنات انسان به نحو مستقیم و غیرمستقیم در فیضان صور علمی بر نفس مجرد دخالت دارند؛ بدین بیان که اخلاق حسنه و اعمال صالحه باعث تقویت نفس می‌شوند؛ و تقویت نفس باعث می‌شود که فهم انسان تکامل بیابد. همچنین اخلاق سوء و اعمال غیرصالح، نفس را از رسیدن به جایگاه حقیقی خود باز می‌دارد؛ در نتیجه فهم انسان به کمال لازم خود دست پیدا نمی‌کند.

بنابر این اخلاق انسان تأثیر بسیار عمیقی بر مراحل شکل‌گیری آثار معماری توسط معمار دارد و کیفیات آن به صورت مستقیم بر کیفیت آثار معماری تأثیر می‌گذارد (اثرگذار در همه مراحل تجزیه، ترکیب و ارزیابی)؛ زیرا عمل صالح و اخلاق حسنه سبب افزایش معرفت نفس و اتصال بیشتر با مبادی عالیه عالم هستی و در نتیجه افزایش سطح خلاقیت به‌ویژه در مرحله ترکیب و افزایش صورت و معنا و همچنین ارتقای مرتبه وجودی نفس و جهتگیری مناسب (نیت) در راستای دستیابی به ایده مناسب در هدایت و راهبری پاسخدهی به مسئله معماری خواهد شد. با توضیحات فوق بیش از پیش ضرورت و اهمیت وجود عقل عملی در انسان - که در بخش ۴-۵ همین مقاله به آن اشاره شد- مشخص می‌گردد؛ زیرا مراتب است کمالی نفس حاصل ظرفیت‌های وابسته به عقل عملی در انسان هستند که مهم‌ترین آنها تهذیب نفس، تهذیب باطن، آراستن باطن، و در نهایت فنا فی الله

در تبیین رابطه بین علم و عمل، علم را مقدمه عمل معرفی کرده‌اند. نراقی با بهره‌گیری از آیات و روایات فراوان، این نکته را که اخلاق نکوهیده، حجاب و مانع نیل به معارف الهی و نسیم‌های قدسی است؛ روشن و مدلل ساخته است (نراقی ۱۳۷۹، ۱۵). نفس انسان این توانایی را دارد که با فراهم شدن شرایط و مقدمات لازم توسط بدن و قوای مختلف، صورتی به شکل موجود محسوس در عالم مادی انشاء نماید.

در مورد افعال انسان سه دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول، انسان را بی‌تأثیر در افعال خود می‌داند و قائل به جبر تاریخ بوده است که در زمان اخیر مارکسیست‌ها وارث این تفکرند؛ و دیدگاه دوم که انسان را فاعل تام و مستقل فعل خود معرفی می‌کند تفویض است؛ مانند اگزیستانسیالیست‌ها (انصاری شیرازی ۱۳۸۶، ۵۱۴)؛ اما نظریه صحیح دیدگاه سوم، امر بین‌الامرین است که افعال بندگان را هم به خداوند و هم به خودشان استناد می‌دهد. وقتی موجودی در اصل وجود و بقائش عین‌الربط به علت و محتاج به خداوند باشد؛ در افعالش هم بی‌نیاز از او نیست و همان رابطه و ربط در این بخش جاری است. البته استناد افعال به خداوند، مستلزم نفی اراده بندگان نیست؛ که او هم در فعل خود تأثیر دارد. انسان وقتی قلمی به‌دست می‌گیرد تا شروع به نوشتن کند؛ نوشتن را هم از دست او و هم به خود او می‌توان نسبت داد. کیفیت عالم شدن انسان، هم یکی از افعال اوست و از قاعده فوق مستثنی نیست؛ یعنی هم نفس انسان در یافتن علم دخالت دارد و هم مبادی عالیه. نقش ذهن انسان و تفکرات او در این بین، آماده کردن زمینه برای آنست که مبادی عالیه، صورت علمیه را بر لوح نفس افاضه نماید؛ لذا حاج ملا هادی سبزواری می‌گوید: حق آنست که صور علمی از عالم قدس افاضه می‌شود و فکر و ذهن انسان تنها زمینه را فراهم می‌سازند (سبزواری ۱۳۸۰، ۲۸۳).

از آنجا که نفس انسان از ابتدای تعلق به بدن تا کمال آن، مراحل و اطوار وجودی مختلفی را از قبیل نباتی، حیوانی، انسانی و... طی می‌کند؛ و ذات آن طبق حرکت جوهری اشتداد پیدا می‌کند؛ می‌توان گفت نفس از اعمال و اعتقادات



به اعتدال - که از آن به لطافت هم تعبیر می‌نمایند - بیشتر باشد؛ حیات کامل‌تر و بالاتری به موجود زنده افزوده می‌شود؛ لذا اعتدال مزاج برای انسان یکی از عوامل دخیل در بهره‌مند شدن از مراتب بالاتر حیات، است.

بنابراین مزاج بدن انسان، کیفیت متوسط اجزای تشکیل‌دهنده بدن انسان در نحوه تعلق روح به بدن و میزان بهره آن از ملکوت تأثیر دارد و هرچه این مزاج بیشتر به سمت اعتدال پیش رود؛ بهره آن از ملکوت بیشتر است. از آنجایی که علم امری مجرد است و مدرک علم، نفس انسان نیز مجرد است؛ هرچه مزاج بدن انسان معتدل‌تر و به عبارت دیگر در حالت عادی باشد؛ بهره نفس انسان از علم مجرد بیشتر خواهد بود. علاوه بر آن، اعتدال مزاج بدن انسان و فراهم بودن شرایط طبیعی عادی برای بدن انسان بدین معناست که مغز انسان برای دریافت اطلاعات، تحلیل داشته‌ها یا تفکر، شرایط لازم را داراست. بنابراین در این شرایط بهتر می‌تواند وظیفه خود را انجام دهد. در نتیجه می‌توان گفت در این شرایط، مقدمات لازم برای ادراک کامل‌تر مغز انسان فراهم است و انسان بهتر از دیگر مواقع می‌تواند به تدبیر و تفکر مشغول شود.

مقدمه دوم: اعمال، اخلاق و رفتار انسان، بخصوص وقتی به صورت ملکه درآیند؛ بر مزاج انسان تأثیر دارند. این اثرگذاری در هنگام خجالت، عصبانیت، اضطراب و امثال آن به صورت‌های مختلفی چون سرخ‌شدن، تغییر ضربان قلب و... بروز می‌کند. وقتی این حالات و رفتار به صورت لحظه‌ای باشند؛ پس از گذشت چند لحظه، ممکن است مزاج بدن به حالت عادی خود برگردد؛ لکن با تکرار این رفتار برای بازگشت مزاج به حالت عادی، ممکن است به مصرف برخی داروها نیاز باشد. بنابراین همان‌طور که تغییر خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها در تغییر مزاج بدن انسان تأثیر دارند؛ عکس‌العمل انسان در برابر وقایع مختلف نیز در این امر بی‌تأثیر نیست. لازم به ذکر است مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم تا عکس‌العمل انسان را در برابر اتفاقی مشخص کنند و تأثیر مزاج در این امر، به‌عنوان یکی از این عوامل است. نراقی می‌نویسد: «سرشت و مزاج انسانی، دخالت و تأثیری تام در صفات و ملکات اخلاقی

(انفصال افعالی، صفاتی ذاتی از خود به طور کامل و اتصال به حق تعالی) و در نتیجه رسیدن به مقام رضایت و تسلیم در برابر حق تعالی است.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر چگونگی و کیفیت مراحل شکل‌گیری خلق و ادراک آثار معماری اعتدال مزاج است. در تعریف مزاج باید گفت اجسام مرکب، برحسب ترکیب از انواع عناصر و میزان آنها، به کیفیتی متناسب با نوع ترکیب دست می‌یابند که به متوسط این کیفیات، «مزاج» گویند (عباس‌زاده جهرمی ۱۳۸۷، ۸۱). برای مشخص شدن نقش مزاج بدن در فهم و ادراک او باید این دو رابطه مورد بررسی قرار گیرد. نقش اعتدال مزاج در تقویت فهم و ادراک انسان و نقش اخلاق، رفتار و اعمال انسان بر مزاج لذا نیاز به ذکر دو مقدمه است.

مقدمه اول: قدما برای مزاج، بازه‌ای وسیع قائل بوده‌اند که جمادات، اطراف این بازه را تشکیل می‌دهند و هرچه به طرف مرکز و به اصطلاح به سمت اعتدال پیش رویم؛ ابتدا گیاه، بعد از آن، حیوان و انسان به وجود می‌آیند. در بین انسان‌ها هم مزاج‌های افراد با یکدیگر متفاوت است و حتی مزاج یک فرد در طول زندگی و بر حسب شرایط محیطی و دیگر عوامل تغییر می‌کند. هرچه اعتدال مزاج بیشتر باشد؛ ارتباط انسان با مجردات و ملکوت بیشتر است. لذا فلاسفه معتدل‌ترین مزاج را مربوط به انسان کامل معرفی کرده‌اند (حسن‌زاده آملی ۱۳۷۹). مثال بعد رابطه فوق را بهتر روشن می‌نماید: مغناطیس موجود در آهن‌ربا به آهن‌ربا قدرتی می‌دهد که می‌تواند اشیا را جذب نماید. هرچه این مغناطیس قوی‌تر باشد؛ اشیا فلزی بزرگتری را به خود جذب می‌کند. دقت کنیم که مغناطیس، امری غیر از آهن‌ربا و یا ذرات آنست. اجزای تشکیل‌دهنده جنین و یا هر موجود زنده‌ای در قابلیت پیدا کردن برای افزوده مراتب مختلف حیات بر آن، شبیه به همین آهن‌ربا عمل می‌نمایند آن امری که حکم مغناطیس را در بین این اجزا دارد؛ مزاج است. اگر مزاج این اجزا، به مرتبه‌ای خاص از لطافت رسید؛ حیات گیاهی به آن افزوده می‌شود؛ و اگر به مرتبه بالاتری دست یافت؛ حیات حیوانی بدان اضافه می‌شود؛ و در نهایت به حیات انسانی دست می‌یابد. پس هرچه میزان نزدیکی

نارضایتی (خشنودی یا ناراحتی) می‌نماید. تنظیم معیار این رضایت‌مندی بر عهده نفس ناطقه انسان است؛ و متناسب با مرتبه وجودی او. همچنین باید توجه داشت که مراحل ترکیب (خلق)، تجزیه (ادراک)، و ارزیابی در سه مرحله شکل‌گیری ایده معماری، طرح معماری (صورت مجازی اثر)، و صورت محسوس اثر معماری به صورت جداگانه در نفس معمار محقق می‌شود؛ و یک رابطه رفت و برگشتی دارند تا به مرحله تأیید توسط معمار یا گروه معماری برسند. بنابر مطالعات صورت گرفته در این پژوهش مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت و چگونگی شکل‌گیری مراحل خلق و ادراک آثار معماری به شرح موارد ذیل می‌باشد.

۸-۱. مرتبه نفس ناطقه معمار

نفس ناطقه معمار فاعل اصلی افعال اوست و براینده تعامل عقل نظری و عملی او خواهد بود؛ که یکی مبدا ادراک و علم انسان و دیگری مبدا عمل و اخلاق اوست و این دو همواره در یک رابطه رفت و برگشتی با یکدیگر هستند و بر هم تأثیر گذارند.

۸-۲. سطح ادراک معمار از هستی

محتوای خزانه معنا و صورت در نفس انسان که متأثر از قوه حافظه و خیال اوست و وابسته به مرتبه نفس معمار و سطح تعامل معمار و عوالم هستی است. باید اشاره کرد زمانی کامل‌ترین خزانه صورت و معنا در نفس انسان شکل می‌گیرد که معمار به مرتبه انسان کامل رسیده باشد و بتواند حداکثر تعامل با عوالم هستی را داشته و به احصا و ادراک متعالی‌ترین معانی نایل آید؛ که این معانی بر اساس مبانی حکمت متعالیه اسما و صفات الهی هستند. زیرا در حقیقت تمام هستی تجلی خداوند هست (اصل توحید)؛ و اسما و صفات الهی واسطه میان ذات و مصنوعات او می‌باشند (طباطبایی ۱۳۶۲، ۲۶۷).

۸-۳. اخلاق معمار

نفس انسان از اعمال و اعتقادات او تأثیر می‌پذیرد. لذا عوامل اصلی این تکامل عبارتند از اعمال و رفتار، اخلاق و ملکاتی که کسب کرده، و علوم و اعتقاداتی که آموخته و بدان متلزم شده است؛ و اخلاق حسنه و اعمال صالح باعث افزایش معرفت نفس و در نتیجه افزایش سطح

دارد. برخی مزاج‌ها در اصل آفرینش مستعد بعضی خلق و خوی‌هاست و برخی دیگر مناسب و مقتضی خلاف آن و ما به یقین در می‌یابیم که بعضی افراد صرف نظر از اسباب و علل خارجی، برحسب جبلیات خود چنانند که با کمترین سببی به خشم می‌آیند یا می‌ترسند یا غمگین می‌شوند و با کمترین چیز تعجب‌آوری می‌خندند و برخی دیگر برخلاف اینانند» (نراقی ۱۳۷۹، ۵۸).

با توجه به دو مقدمه فوق، می‌توان تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌های مزاج بدن را حلقه واسطه بین ادراک (علم) و اخلاق (عمل) انسان قرار داد. اخلاق و رفتار انسان بر مزاج تأثیر می‌گذارند و این تأثیرپذیری که یا آن را به سمت اعتدال نزدیک و یا از آن دور می‌کند؛ در ادراک نفس ناطقه، سهم بسزایی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، اعتدال بدن، زمینه بهتری برای دریافت علم مجرد فراهم می‌سازد. با این توضیحات و با توجه به مطالبی که پیش تر ارائه شد که مرتبه معرفت نفس و سطح تعامل انسان با هستی که مسبب ادراکات او هستی است از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری تمام مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری (تجزیه، ترکیب، و ارزیابی) هستند؛ و از آنجا که اعتدال مزاج عامل موثر بر سطح معرفت و ادراک انسان هستند؛ باید به شکل ویژه مورد توجه قرار گیرند.

۸. نتیجه‌گیری

در مقوله فرایند خلق آثار معماری مراحل که اکثر پژوهشگران این حوزه نسبت به آن اتفاق نظر دارند، شامل آنالیز (تجزیه و تحلیل)، ترکیب، و ارزیابی می‌باشند؛ که بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه اینها همان مراحل

هستند که انسان تمامی ادراک و افعال خود را از طریق آنها انجام می‌دهد. اگر از زاویه نگاه نو این پژوهش به این مراحل نگاه شود بر اساس مبانی حکمت متعالیه نفس انسان همواره در ادراک هستی در حال تجزیه و ارزیابی، و در انجام افعال خود در حال ترکیب، تجزیه، و ارزیابی است. در این دو حالت، ارزیابی‌ها به شکل حضوری در انسان محقق می‌شود. بدین شکل که انسان‌ها همواره تحت تاثیر افعال و ادراک خود در درون احساس رضایت‌مندی یا

شناسایی نمایند. اما متأسفانه نقش این قوا کمتر بررسی می‌شود و در پژوهش‌ها مغفول می‌ماند و آنهایی نیز که به این حوزه ورود نموده‌اند؛ به کلیات اشاره می‌نمایند؛ و این مقوله سبب شد در این پژوهش نگارندگان با جزئیات، این قوا و نقش آن در شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری را تبیین نمایند.

به طور خلاصه آنچه در این پژوهش با استدلال و دلایل مشخص بیان شد؛ به شکل ساده اشاره دارد به اینکه همانگونه که انسان برای طراحی و مدلسازی در رایانه شخصی خود با نیت و هدف مشخص به اطلاعات کدگذاری شده و اطلاعات و تصاویر منتخب تجمیع شده در طول زمان، در گالری و کتابخانه خود مراجعه می‌نماید و بنابر آن ایده خود را مدلسازی می‌نماید؛ انسان معمار نیز همین فرایند را در ذهن خود طی می‌نماید؛ و کمیت و کیفیت بانک اطلاعات شکل گرفته در نفس انسان‌ها که متأثر از سطح ادراکات آنها هستند با یکدیگر متفاوت هستند. توجه به مقوله معرفت نفس، تلاش در جهت ارتقای مرتبه نفس، رعایت اخلاقیات و اعتدال مزاج سبب ارتقای کیفیت بانک اطلاعاتی (صورت و معنا) در انسان و در نتیجه ارتقای کیفیت آثار معماری و مطلوبیت آنها برای طیف بیشتری از مخاطبان و زمینه‌ساز ایجاد هنر متعالی خواهد بود.

در انتها باید یادآور شد که مقوله فرایند خلق و ادراک آثار معماری از مرحله شکل‌گیری ایده تا ارزیابی آثار توسط مخاطبین، یک مقوله چندبعدی و در ارتباط با مراتب نفس انسان و عوامل هستی است؛ و نمی‌توان فرایند شکل‌گیری آن را تنها با توجه به برخی ادراکات متأثر از حواس ظاهری انسان تحلیل کرد؛ و یا فرایند شکل‌گیری آن را فروکاهید؛ و به دست الگوریتم‌ها و رایانه‌ها سپرد. این جملات به معنی نادیده گرفتن ظرفیت هوش مصنوعی نیست؛ بلکه به این معنی است که باید از همه ظرفیت علوم شناختی و علوم رایانه‌ای در کنار علوم چون انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، روان‌شناسی محیط در کنار هم بهره برد.

پی‌نوشت

۱.۱. با قطع توجه نفس به بدن یا کمتر شدن اشتغال نفس به داده‌های حسی و تدبیر بدن، آینه خیال (حسّ مشترک) به سمت

تعامل انسان با هستی و اتصال بیشتر با مبادی عالیه آن و غنی‌تر شدن خزانه صورت و معنا در آن خواهد شد و منجر به افزایش سطح خلاقیت نفس ناطقه به‌ویژه در زمانی که قوه متصرفه آن با مراجعه به خیال و حافظه خود جهت ترکیب صورت و معنا اقدام می‌نماید. همچنین باید اشاره کرد براینکه علم و عمل عامل موثر و مهمی بر جهت‌گیری فرایند راهبری و پاسخدهی به مسئله معماری خواهد بود.

۴-۸. مزاج معمار

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر چگونگی و کیفیت مراحل شکل‌گیری خلق و ادراک آثار معماری اعتدال مزاج است. از آنجایی که علم امری مجرد است؛ و مدرک علم، نفس انسان نیز مجرد است. هرچه مزاج بدن انسان معتدل‌تر باشد؛ بهره نفس انسان از علم مجرد بیشتر خواهد بود. در این شرایط، مقدمات لازم برای ادراک کامل‌تر مغز انسان فراهم و انسان بهتر از دیگر مواقع می‌تواند به تدبیر و تفکر مشغول شود.

۵-۸. کیفیت احصا معانی از مبادی عالیه خلقت (اسما و صفات الهی)

البته باید توجه داشت که نفس خود بازتاب و تجلی حقیقی برتر است. هرچقدر مرتبه نفس معمار متعالی‌تر و سطح ادراکات او از هستی در مراتب بالاتر قرار گیرد؛ به معانی ناب‌تری از مبادی عالیه خلقت (اسما و صفات الهی) دست می‌یابد و اثر معماری خلق شده توسط او از مرتبه وجودی و کیفیت بهتر و در نتیجه مقبولیت بیشتری توسط مخاطبان، فرازمان و مکان زندگی آنها، قرار می‌گیرد.

۸-۶. قوای باطنی

شناخت قوای باطنی (خیال، حافظه، متصرفه، واهمه، و حس مشترک) و عملکرد هرکدام از آنها در کنار نحوه عملکرد حواس ظاهری انسان (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، و لامسه) بسیار مهم است؛ زیرا در مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری نقش اساسی دارند؛ و شناخت این قوا در ارتقای کیفیت این فرایند و جلوگیری از ذائقه‌سازی‌های نابجا توسط رسانه‌های وابسته به صاحبان ثروت و قدرت می‌شوند. همچنین آشنایی با این قوا به متخصصین کمک می‌کند تا مکانیزم فرایند ادراک و ارزیابی آثار معماری را



- عالم معنا و صور مجرد قرار می‌گیرد (حسین‌زاده ۱۳۸۵، ۶۵-۱۰۸).
۲. حافظه قلمرو گسترده‌ای از ادراکات انسان را شامل می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت است از:
۱. صورت‌های جزئی؛
۲. معانی جزئی؛
۳. مفاهیم یا صور و معانی کلی، اعم از ماهوی، فلسفی و منطقی و مفاهیم ماهوی، اعم از مفاهیم محسوس، شهودی، و مانند آن؛
۴. گزاره‌های حاکی از آن دسته از علوم حضوری که در گذشته اتفاق افتاده‌اند؛ همچون گزاره «من شاد بودم» و «من ترسیدم» می‌توان از طریق حافظه، حالات روانی، درونی و نفسانی خود را به یاد آورد و صدق این‌گونه امور را از طریق مراجعه به حافظه مشخص کرد.
۵. گزاره‌های حسی؛ به عبارت دیگر، می‌توان آنها را گزاره‌های حاکی از تجربه‌های حسی نامید؛ همچون گزاره «دیروز باران آمد» و «تابستان گذشته در اثر گرمای زیاد، شمعدانی من خشک شد».
۶. گزاره‌های مبتنی بر اخبار، گواهی و شهادت دیگران، مانند «ابن سینا پیش از محقق طوسی می‌زیست».
۷. همه گزاره‌های مربوط به علوم پیشین؛ این گزاره‌ها اعم از علوم ریاضی، منطقی و فلسفی است؛ مانند معادله‌ای که در دوره دبیرستان حل کرده و به خاطر سپرده‌ایم و اکنون نتایج و راه‌حل آن را به یاد می‌آوریم (حسین‌زاده ۱۳۸۵، ۶۵-۱۰۸).

منابع

۱. ارشدریاحی، علی، و صفیه واسعی. ۱۳۹۰. ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاحظه‌دار. مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام ۴۳ (۸۶): ۹-۴۵.
۲. اعوانی، غلامرضا. ۱۳۹۰. پیوند معماری سنتی با حکمت. ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت.
۳. اکبری، علی، و محمدمنصور فلامکی. ۱۳۹۶. مدیریت خیال و خاطره در فرآیند طراحی معماری. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران ۷ (۲): ۱۱۷-۱۳۳.
۴. امینی، سارا، غزال کرامتی، و محمدمنصور فلامکی. ۱۳۹۸. گونه‌شناسی خیال در فرآیند طراحی معماری. باغ نظر ۱۶ (۷۲): ۵۳-۶۴.
۵. انصاری شیرازی، یحیی. ۱۳۸۶. دروس شرح منظومه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۶. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. ساختار فرآیند خلق و ادراک آثار معماری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۷. ۱۳۹۶. تبیین مراتب و فرآیند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار. پژوهش‌های معماری اسلامی (۱۴): ۴۸-۶۸.
۸. حافظنیا، محمدرضا. ۱۳۸۶. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۹. حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۷۷. هزار و یک نکته. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
۱۰. ۱۳۷۹. شرح العیون فی الشرح العیون. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. ۱۳۸۰. عیون، مسائل نفس و شرح آن، جلد ۱ و ۲. ترجمه‌ی ابراهیم احمدیان و سید مصطفی بابایی. قم: بکا.
۱۲. ۱۳۸۲. معرفت نفس. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. حسین‌زاده، محمد. ۱۳۸۵. حواس باطنی از منظر معرفت‌شناسی. معرفت فلسفی (۴): ۶۵-۱۰۸.
۱۴. خواجوی، علی. مهدی کبودی، و احمد اخلاصی. ۱۳۸۹. تبیین خلاقیت هنری بر اساس کلیات حکمت و فلسفه اسلامی. فصلنامه حکمت و فلسفه (۳): ۲۴۳-۲۸۳.
۱۵. رئیس سمیعی، محمدمهدی. ۱۳۸۰. تحلیل و تامل هستی‌شناسی بر آثار میس و اندروهه. صفا ۱۱ (۳۳): ۷۰-۸۹.
۱۶. رضایی، محمود. ۱۳۹۳. بازنگری فرآیند طراحی (رمزگشایی قیاس به‌عنوان روش اصلی آفرینش فرم و فضا). هویت شهر (۱۸): ۷۱-۸۰.
۱۷. رنجبر کرمانی، علی محمد. ۱۳۸۸. روش سامانه‌ای در طراحی معماری در پرتو بینش اسلامی. رساله دکتری، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۸. سبزواری، ملاحادی. ۱۳۸۰. شرح منظومه، جلد ۱. به تحقیق مسعود طالبی و تصحیح حسن حسن‌زاده آملی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.



۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین. تفسیر المیزان، جلد ۱۶. برداشت از سی دی نور الانوار.
۲۰. عباس‌زاده جهرمی، محمد. ۱۳۸۷. تاثیر اخلاق در اندیشه و ادراک انسان. اخلاق در علوم رفتاری ۳ (۳-۴): ۷۷-۸۴.
۲۱. عظیمی، مریم. ۱۳۹۸. تبیین جایگاه معنا و خیال در فرآیند طراحی معماری. پژوهش‌های معماری اسلامی ۷ (۲۴): ۷۷-۹۱.
۲۲. لاسون، برایان. ۱۳۸۴. طراحان چگونه می‌اندیشند: ابهام‌زدایی از فرآیند طراحی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. لنگ، جان. ۱۳۹۰. آفرینش نظریه معماری. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. مردمی، کریم، و محسن دهقانی تفتی. ۱۳۹۶. ارائه مدل کاربردی از فرآیند طراحی معماری مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی (۱۶): ۱۰۴-۱۲۱.
۲۵. نراقی، ملا احمد. ۱۳۷۹. جامع السعادت، ویرایش پنجم. ترجمه‌ی جلال‌الدین مجتبی‌وی. تهران: حکمت.
۲۶. هال، استیون، یوهانی پالاسما، و آلبرتو پرزگمز. ۱۳۹۴. پرسش‌های ادراک، پدیدارشناسی معماری. تهران: فکر نو.
۲۷. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۰. رساله نظریه‌پردازی در محوریت تعامل انسان با ایده‌های فضایی هندسی در معماری.

References

1. Abbaszadeh Jahromi, Mohammad. 2008. *The Effect of Ethics on Human Thought and Perception*. *Journal of Ethics in Behavioral Sciences* 3 (3-4): 77-84.
2. Akbari, Ali, and Mohammad Mansour Falamki. 2017. *Management of Imagination and Memory in the Process of Architectural Design*. *Iranian Anthropological Research* 7 (2): 117-133.
3. Amini, Sarah, Ghazal Keramati, and Mohammad Mansour Falamki. 2019. *Typology of Imagination in the Process of Architectural Design*. *Bagh-e-Nazar* 16 (72): 53-64.
4. Ansari Shirazi, Yahya. 2007. *Courses of Sharhe-Manzumeh*. Qom: Islamic Propaganda Office of the Seminary.
5. Arshadryahi, Ali, and Safiah Vasei. 2011. *The Relationship Between the Levels of Existence and the Levels of Perception according to Mulla Sadra*. *Islamic Studies: Philosophy and Theology* 43 (86): 9- 45.
6. Awani, Gholamreza. 2011. *The Connection between Traditional Architecture and Wisdom*. *Wisdom and Knowledge Information Monthly*.
7. Azimi, Maryam. 2019. *Explaining the Place of Meaning and Imagination in the Process of Architectural Design*. *Islamic Architectural Research* 7 (24): 77- 91.
8. Hafiz Nia, Mohammad Reza. 2007. *Introduction to Research Methodology in Humanities*. Tehran: Study and Compilation of University Humanities Books Organization.
9. Hall, Steven, Johani Palasma, and Alberto Perzgums. 2015. *Perception Questions; Architectural Phenomenology*. Tehran: Fekr-e No.
10. Hassanzadeh Amoli, Hassan. 1998. *One Thousand and One Tips*. Tehran: Raja Cultural Publishing Center.
11. Hassanzadeh Amoli, Hassan. 2000. *The Description of the Eyes in the Description of the Eyes*. Qom: Islamic Development Organization.
12. Hassanzadeh Amoli, Hassan. 2001. *Eyes, Soul Issues and Its Description*. Volume 1 and 2. Translated by Ibrahim Ahmadian and Seyed Mostafa Babaei. Qom: Boka.
13. Hassanzadeh Amoli, Hassan. 2003. *Self-Knowledge*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
14. Hosseinzadeh, Mohammad. 2006. *Inner Senses from the Epistemological Perspective*. *Philosophical Knowledge*, Volume 4. Pages: 65-108.
15. Khajavi, Ali, Mehdi Kaboudi and Ahmad Ekhlasi. 2010. *Explaining Artistic Creativity Based on the Generalities of Islamic Wisdom and Philosophy*. *Quarterly Journal of Wisdom and Philosophy* (3): 243-283.
16. Lang, John. 2011. *Creation of Architectural Theory*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University of Tehran Press.
17. Lawson, Brian. 2005. *How Designers Think: Debugging the Design Process*. Tehran: Shahid Beheshti University.
18. Mardomi, Karim, and Mohsen Dehghani Tafti. 2017. *Presenting a Practical Model of the Architectural Design Process based on Islamic Ontology*. *Journal of Researches in Islamic Architecture* (16): 104-121.
19. Naraq, Mullah Ahmad. 2000. *JameoSaadat, Fifth Edition*. Translated by Jalaluddin Mojtavavi. Tehran: Hekmat.
20. Noghrehkar, Abdul Hamid. 2011. *Thesis on Theory of Human Interaction with Spatial-Geometric Ideas in*



Architecture.

21. Raees Samiei, Mohammad Mehdi. 2001. *Analysis and Reflection of Ontology on the Works of Mies van der Rohe*. *Soffeh* 11 (33): 70-89.
22. Ranjbar Kermani, Ali Mohammad. 2009. *Systematic Method in Architectural Design in the Light of Islamic Insight*. Doctoral Dissertation, Iran University of Science and Technology.
23. Rezaei, Mahmoud. 2014. *Review of the Design Process (Decoding Analogy as the Main Method of Creating Form and Space)*. *Hoviatehshahr* (18): 71-80.
24. Sabzevari, Malahadi. 2001. *Description of the System, Volume 1*. Researched by Masoud Talebi and edited by Hassan Hassanzadeh Amoli. Qom: Islamic Development Organization.
25. Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein. *Interpretation of the Balance, Volume 16*. Excerpt from Noor Al-Anwar CD.
26. Taghdir, Samaneh. 2014. *The Structure of the Process of Creating and Perceiving Architectural Works*. Tehran: Iran University of Science and Technology.
27. Taghdir, Samaneh. 2017. *Explaining the Levels and Process of Human Perception and Its Role in the quality of Creating Works*. *Researchis In Islamic Architecture* (14): 48-68.





**The role of "memory" (meaning treasury) and "imagination" (face treasury) of the architect in shaping the process of creating and perceiving architectural works
Based on the view of transcendent wisdom**

**Samaneh Taghdir
(Responsible author)**

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology,

Fatemeh Samimifar

Graduated from the Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology.

Received: 07/06/2021

Accepted: 06/04/2022

Abstract

The role of "memory" (meaning treasury) and "imagination" (face treasury) of the architect in shaping the process of creating and perceiving architectural works Based on the view of transcendent wisdom

The issue of how the process of creating and perceiving architectural works and the factors affecting it is an important, multidimensional and interdisciplinary category. However, at present, the process of formation of architectural works in most studies is based on superficial perceptions of human perception and at best depends on the five human senses and, of course, usually limited to some of them. Therefore, it is necessary to address the aspects of this issue from the perspective of anthropological sciences (knowledge of his powers and perceptual tools), ontology (knowledge of the levels of existence) and psychology of the environment (study of the relationship between man and the environment).

The present study intends to investigate how the stages of the process of creating and perceiving architectural works are formed by focusing on the esoteric forces, especially the "memory" and "imagination" of the architect and also by redefining the steps of decomposition, composition and evaluation in this process with a new look, this study intends to investigate the direct and indirect effects on the quality of formation and realization of these steps. The theoretical basis of this research is the principles of transcendent wisdom and to do it, the strategy of logical reasoning has been used. In the data collection stage, documentary and library studies have been used, and in the later stages, the deductive reasoning method has been used.

The results of this research show that architecture, like other human actions, is influenced by the material and spiritual context of growth (lived experience) and the architect's perceptions during his lifetime until the moment of creating the work. On the one hand, the architect is influenced by his memory (treasury of meanings) and imagination (treasury of faces) that these items will be the source of his ideas, and on the other hand, by his actions, ethics and temperament, he creates a level for his rational soul, which is the origin and creator of his actions. And of course the level of the soul also plays an important role in the efficiency of memory and imagination in human beings because the meanings and forms stored in them are the result of his level of interaction with the worlds. This approach can also pave the way for change in architecture education. Because he emphasizes that the architect must first go through the arc of ascending epistemology in his being and then try to create in the arc of the descent of the creation of the architectural work.

key words: Memory, imagination, decomposition, composition, architectural process, transcendent wisdom

